

موضوع مدحی

امیر فیض - حقوقدان

رویداد مدحی از جهات مختلفی میتواند مورد بررسی علاقمندان به موضوع قرارگیرد بنده هم درحد و سهم خودم یکی دومورد رابه بررسی میکنم.

نخست اینکه جمهوری اسلامی ادعای توأم باافتخارمیکند که بوسیله مدحی از فعالیت هاوبرنامه های مبارزاتی ایرانیان خارج از کشور مطلع شده است . نرخ گذاری درمیان دعوا همین است کدام فعالیت وبرنامج های مبارزاتی، جهانشاهی وخوانساری وامثال آنها که فعالیتی ندارند، برنامه های مبارزاتی مخفی که ندارند بیست وچند سال است که خوانساری خودش ویکنفردیگر است که درواقع حقوق بگیروبادی گارد اوست مدتی هم باداریوش همایون همبازی بود که یقه همدیگرراگرفتند وخوانساری شد خط مقدم که خطاب میشد راننده اتوبوس بدون مسافر خط مقدم، تنها نکته ای که درپرونده سیاسی او مشهود ویه اقرارخودش میباشد ملاقات بایک سناتور آمریکائی است که از فردای آن ملاقات چنان باد به دماغش افتاد وخودش رارهیرنجات ایران معرفی کرد که گفت؛ «چراما بدنبال رضاپهلوی برویم اوباید به دنبال مابایید». امیرحسین جهانشاهی هم که هیچکس تحویلش نگرفت باآن سابقه ای که از اومکشوف شد هیچ ایرانی عامی جواب سلام وتعظیم اوراهم نمیدهد.

این افراد ونظایر آنها کسی نیستند، کاری نمیکند جز ظاهرسازی که آنها دیگر برای ایرانیان خارج ازکشور رنگ باخته است. خارجیهام به این ظاهرسازی هااعتنائی ندارند هرکس برایشان جاسوسی کند، نوکری کند موجب میدهند.

جمهوری اسلامی از آب کره میگردد، میگوید ما اپوزیسیون خارج از کشور رافریب دادیم، این فریبی است که گریبان خود جمهوری اسلامی راگرفته که خیال کرده این چند نفرآمد مطرود نوکریبگانه آنهام ازنوع مارکدارشان، اپوزیسیون هستند. ثانیاً بر فرض که کسانی راهم جمهوری اسلامی فریب داد به بینیم درمقابل این فریب چه بدست آورد، فریب اگر دستاورد نداشت که فریب نیست، جمهوری اسلامی مدعی است که برنامه تشکیل دولت موقت رابهیم زد کدام تشکیل دولت موقت؟ باکدام مشروعیت وزمینه ملی وپیوند های تاریخی؟ ظرف این سی سال حدود ده یابیشتر دولت موقت ودولت درتبعید تشکیل شد به کجا کشید که این یکی راجمهوری اسلام متلاشی کرد؟ وبابت آن، حساب افتخار اطلاعاتی بازکند.

موضوع دیگری که فکرمیکنم میتواند توجه برانگیز باشد این است که کسانیکه درماجرای مدحی مستقیم ویاغیرمستقیم شرکت داشته اند ادعا میکنند که فریب خورده اند، ادعای فریب خوردگی آنها وارد نیست زیرا مدحی بوسیله نوریزاده به میدان آورده شد مصاحبه ها برایش ترتیب داد حمایتش کرد.

این آقایی که ادعا میکنند فریب مدحی راخوردند، مدحی رانمیشناختند آیا نوریزاده راهم نمی شناختند اگر نمیشناختید که مبارز سیاسی نیستید ویک عامی بی سروپائی هستید که تصور درک فریب تاچه رسد به حقیقت آن مصداق حال آنها نیست، مگر نشنیده ای که «دوستان افراد وسیله شناخت افراد هستند = «سگان باسگان جفت گردند و جور» نوریزاده آدم دورو، پولکی، متقلب و بی عقیده ای است که هم نامه فدایت شوم به خمینی مینوشت وهم درعین حال باقلم وخط خودش نامه مهرآمیز ونوکری به شاهنشاه، محال وممتنع است درطول تاریخ سیاسی ایران این نمونه آدم بغیراز نوریزاده بتوانید پیداکنید (برای ملاحظه نامه های دستخط نوریزاده به سایت ۱۴۰۰ سال جاوید ایران رجوع کنید)^۱

خودش درمجله امید ایران بتاريخ ۲۲ مرداد۱۳۵۸ نوشته است که من دستور العمل اینکه درامیدایران چه بنویسم وچه چیزی رابزرگ کنم باتلفن از پاریس از قطب زاده وبنی صدر وهادی غفاری میگرفتم. نوریزاده عادت به نوکری

^۱ - <http://1400years.org/Nourizadeh2.asp> نامه به شاهنشاه آریامهر <http://1400years.org/Nourizadeh1.asp> نامه به خمینی

دارد خودش عقل مستقل برای انجام کارسیاسی کردن ندارد. امروز از خمینی و عواملش درپاریس دستور میگرفت امروز هم از بیگانه که دریشان بروی هروطن فروشی بازاست دستور میگیرد، وهم از همین مدحی دروزارت اطلاعات تهران واسم اوراهم محقق میگذارد نمیداند که محقق به کسی میگویند که بدنبال کسب حقیقت است نه کسی که مامور خبرسازی و خبردهی به احمقان است.

زاحمقان بگریز چون عیسی گریخت صحبت احمق بسی خونها بریخت مولوی

یکی نوشته بود که مدحی یک نگین قیمتی به ارزش ۳۰۰ هزار دلار به نوریزاده داده است نمیدانم درست است یا نه ولی این رامیدانم که نوریزاده برای پول همه کار میکند این آدم وجدان و شرم ندارد که فکرکند وسیله فریب و اغوی دیگران شدن شایسته نیست، بارها این شهادت راخودم داده ام اکنون هم تکرار میکنم - درمقابل کافه قنادی نادری تهران دیدم که نوریزاده بانگشت دست چپش عکس خمینی رادرکره ماه به چند نفری که دورش راگرفته بودند نشان میداد واصراردرباور آنها هم داشت. چه کسی ممکن است یک درهزارفکرکند که نوریزاده واقعا عکس آن الاغ رادرمه دیده است که به مردم حفته میکند؟ آدم باوجدان محال است که درقبولاندن چنین دروغ بزرگی این چنین بی محاباباشد/

این ادمی است که با بادحرکت میکند امروز هم باباد مدحی و بیگانگان. مگر باد فکر و وجدان دارد که بفهمد حرکتش ممکن است چراغ پیرزنی راخاموش کند ویاسبب خفت و سرافکندگی دوستانش شود